

فراز و فرود روابط ایران و روسیه ۲۰۱۶-۱۹۹۰

الهه کولایی^۱

استاد گروه مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران

عفیفه عابدی

دانش‌آموخته روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت ۹۶/۷/۲۱ - تاریخ تصویب ۹۶/۸/۱۸)

چکیده

هرچند اکنون برداشت عمومی از روابط روسیه با ایران، روابطی بسیار همگرا و گرم است، اما واقعیت‌های تاریخی در مورد روابط مسکو و تهران، نشان‌دهنده رابطه‌ای پیچیده همراه با فراز و فرود بسیار و وابسته به عوامل و مؤلفه‌های گوناگون دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی است. این رابطه میراث‌دار رخدادهای دشمنی‌آلود ایران و روسیه از اوایل قرن ۱۹ است که همچنان سایه تردید و بدبینی آن بر این رابطه گسترده مانده است. تصرف خاک ایران توسط امپراتوری روسیه در اوایل قرن ۱۹، مداخله ویرانگر روسیه تزاری در انقلاب مشروطه ایران در اوایل قرن ۲۰، حمایت اتحاد شوروی از جریان‌های تجزیه طلب در شمال و شمال غربی ایران، تخلیه نکردن خاک ایران در پایان جنگ جهانی دوم از سوی نیروهای نظامی اتحاد شوروی، حمایت اتحاد شوروی از حزب توده ایران، حمله اتحاد شوروی به افغانستان و اشغال این کشور مسلمان‌نشین در همسایگی شرقی ایران (۱۹۷۹-۱۹۸۹)، حمایت مؤثر اتحاد شوروی از عراق در طول جنگ ایران و عراق از سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۸۸ از جمله اقدام‌ها و رفتارهای خصمانه روسیه است که با وجود اراده ایران برای داشتن روابط نزدیک با روسیه در شرایط جدید، همچنان بر روابط دو کشور سایه انداخته است. هر چند به دلایل گوناگون که در ادامه خواهد آمد، ایران با تأکید بر حق حاکمیت، منافع خود در سطوح گوناگون از مسیر رابطه با روسیه پیگیری می‌کند، اما این میراث تاریخی سبب شده همچنان نگاه بدبینانه همراه با بی‌اعتمادی به مسکو و روابط با این کشور، در مطبوعات و مردم ایران وجود داشته باشد.

واژه های کلیدی: ایران، روسیه، آمریکا، انقلاب اسلامی، افراط‌گرایی، برنامه هسته‌ای.

^۱ نویسنده مسول، این مقاله بخشی از نتایج یک طرح پژوهشی است که با استفاده از اعتبار صندوق پژوهشگران ریاست جمهوری اجرا شده است.
Email: ekolaee@ut.ac.ir

مقدمه

هرچند برداشت عمومی از روابط روسیه با ایران در دهه‌های اخیر، روابطی بسیار نزدیک و گرم است، اما واقعیت‌های تاریخی در مورد روابط مسکو و تهران، نشان‌دهنده رابطه‌ای پیچیده همراه با فراز و فرود بسیار و وابسته به عوامل و گوناگون دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی است. این رابطه میراث‌دار رخدادهای دشمنی‌آلود ایران و روسیه از اوایل قرن ۱۹ است که همچنان سایه تردید و بدبینی آن بر این روابط باقی مانده است. تصرف سرزمین ایران توسط امپراتوری روسیه در سال‌های ۱۸۱۳ و ۱۸۲۸ با قراردادهای گلستان و ترکمن‌چای، مداخله ویرانگر روسیه‌تزاری در انقلاب مشروطه ایران در حمایت از استبدادگران حاکم در اوایل قرن ۲۰، حمایت اتحاد شوروی از جریان‌های تجزیه‌طلب در شمال و شمال غربی ایران در پایان هر دو جنگ جهانی اول و دوم، تخلیه نکردن خاک ایران در پایان جنگ جهانی دوم از سوی نیروهای نظامی اتحاد شوروی، حمایت اتحاد شوروی از حزب توده ایران، حمله اتحاد شوروی به افغانستان و اشغال این کشور مسلمان‌نشین در همسایگی شرقی ایران (۱۹۷۹-۱۹۸۹)، حمایت مؤثر اتحاد شوروی از عراق در طول جنگ ایران و عراق از سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۸۸ از جمله اقدام‌ها و رفتارهای دشمنی‌آلود روسیه است که با وجود اراده ایران برای داشتن روابط نزدیک با روسیه در شرایط جدید، همچنان بر روابط دو کشور سایه انداخته است. هر چند به دلایل گوناگون که در ادامه خواهد آمد، ایران با تأکید بر حق حاکمیت، منافع خود را در سطوح گوناگون از مسیر رابطه با روسیه پیگیری می‌کند، اما این میراث تاریخی سبب شده همچنان نگاه بدبینانه همراه با بی‌اعتمادی به مسکو و روابط با این کشور، در مطبوعات و مردم ایران وجود داشته باشد. در روسیه هم برداشت‌ها و دیدگاه‌های نخبگان سیاسی و فرهنگی جامعه روسیه دچار نوسان‌ها و تحولات جدی بوده است. این روند در سال‌های پس از فروپاشی با روشنی بیشتری آشکار شده است. بدبینی و بی‌اعتمادی متقابل نسبت به چشم‌اندازهای روابط دو کشور، روابط ایران و روسیه را **زیر** تأثیر قرار داده است. در این نوشتار تحلیلی تلاش شده با نگاهی تاریخی به دوره‌های مختلف روابط ایران و روسیه؛ انقلاب، جنگ، برنامه‌ی هسته‌ای ایران، تحریم و توافق جامعه هسته‌ای (برجام)، دلایل

حفظ و گسترش روابط ایران و روسیه، با وجود نارضایتی و بی‌اعتمادی در پیکره‌ی سیاسی-اجتماعی دو کشور تبیین شود.

۱. رویکرد نظری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته درگیر مسایل گوناگون ارادی و غیرارادی زیادی بوده، اما به نسبت مسایل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود، در حفظ چارچوب، مبانی و اصول از ثبات بیشتری برخوردار بوده است. بر این اساس یکی از پرسش‌های مهم پژوهشی که همواره درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طرح می‌شود، به رویکرد نظری سیاست خارجی جمهوری و دلایل و عوامل این ثبات بنیادین بازمی‌گردد که شامل توجه و تمایل تقریباً غیرقابل متزلزل ایران به توسعه روابط با روسیه در چهار دهه گذشته می‌شود. به رغم فراز و فرودهای بسیار در رابطه تهران و مسکو، روسیه همواره جایگاه ویژه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته است. حتی در مقاطعی که استنباط می‌شد روابط ایران با غرب تنش‌زدایی می‌شود مانند دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و حسن روحانی، روابط ایران با روسیه توسعه بیشتری یافته است.

به طور طبیعی نظرات مختلفی درباره چارچوب نظری مناسب برای توضیح روابط ایران و روسیه وجود دارد. برخی از تحلیل‌گران در بررسی دلایل و عوامل این تداوم رویکرد، به طور عام به چارچوب نظری سازه‌نگاری و نقش هویت جمهوری اسلامی ایران که با استکبارستیزی، حمایت از مسلمانان و مستضعفان پیوند دارد، رجوع می‌کنند و برخی از رویکرد نظری امنیت هستی‌شناختی برای تبیین چرایی تمایل نگاه جمهوری اسلامی ایران به روسیه، در مقابل تداوم خصومت سیاسی و امنیتی با آمریکا بهره می‌برند. به باور مؤلفان هر کدام از این رهیافت-های نظری می‌توانند به توضیح ثبات مبانی و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ۴ دهه گذشته به طور کلی و به طور جزئی در رابطه با روسیه کمک کنند. اما آشکار است که هر کدام از این رویکردها به یکی از مؤلفه‌ها وزن بیشتری می‌دهند. در این پژوهش با رویکردی تاریخی تحلیلی، ضمن مقایسه تطبیقی دوره‌های روابط ایران و روسیه، ثبات نسبی در روابط دو کشور در ۴ دهه گذشته تبیین می‌شود و تأثیر شرایط متحول تاریخی-سیاسی

و بین‌المللی و مؤلفه‌های بسیار گوناگون در سطح داخلی کشورها، روابط دوجانبه، روابط منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲. تأثیر انقلاب اسلامی بر روابط ایران و روسیه

در دوران اتحاد شوروی و سپس شکل‌گیری نظام دوقطبی در پایان جنگ سرد، روابط با ایران بر پایه الزام‌های ایدئولوژی کمونیستی شکل گرفت. ساختار نظام دوقطبی روابط با ایران را به عنوان یک کشور وابسته به آمریکا که سرمایه‌داری وابسته را تقویت می‌کند، با محدودیت‌های اساسی روبه‌رو کرده بود. با این حال ویژگی‌های ژئوپلیتیکی بی‌مانند ایران در غرب آسیا، سبب شد این روابط از ابعاد گسترده‌ای برخوردار شود که در میان کشورهای کم‌توسعه وابسته به آمریکا، کمتر نمونه آن دیده می‌شد (کولایی، ۱۳۹۰). برای رژیم ایران نیز در جهت به‌دست آوردن امتیازهای بیشتر از آمریکا، این روابط پس از به قدرت رسیدن کندی^۱ اهمیت بیشتری پیدا کرد. در واقع مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی موجب شد روابط ایران و روسیه پیش از انقلاب اسلامی، از دهه ۱۹۶۰ دچار تغییر کمی و کیفی شود. دلیل آن هم این بود که به نظر می‌رسید روابط ایران با آمریکا و غرب بسیار گسترده شده و شاید برای رژیم شاه این نگرانی را ایجاد کرده بود که اگر بیشتر به غرب اتکا کند، امنیت خود را در خطر خواهد انداخت. فناوری‌های موشکی هم نیاز آمریکا به استفاده از خاک ایران را کاهش داده بود؛ بنابراین شاه کوشید روابط جدیدتری با شوروی بنا گذارد. در این دوره قرارداد صادرات گاز ایران به شوروی و قرارداد ساختن کارخانه ذوب‌آهن در اصفهان بسته شد.

ایران به تدریج توانست انواع سلاح‌های سبک را از شوروی خریداری کند که به توسعه بیشتر روابط دو کشور کمک کرد. با این حال، هنگامی که انقلاب اسلامی پیروز شد، برداشت‌های دوگانه‌ای از رابطه پیروزی انقلاب اسلامی و حمایت اتحاد شوروی ارائه شد. برخی بر این باور بودند که نزدیک شدن شاه به مسکو، موجب نارضایتی واشنگتن شده و آمریکا متحد خود را در برابر سیل خروشان خیزش مردمی تنها گذاشت. در دیدگاه برخی دیگر، **پیروزی انقلاب**

¹ Kennedy

اسلامی ایران نتیجه سیاست‌های اتحاد شوروی در رویارویی با آمریکا بود. برژنف در کنگره حزب کمونیست در سال ۱۹۸۱، حرکت‌های اسلامی را رهایی بخش خوانده بود (Trenin and Malashenko, 2010, 20). استناد این عده تهدید آمریکا از سوی برژنف نیز بود، زمانی که اخبار احتمال دخالت نظامی آمریکا برای حفظ حکومت شاه منتشر شد، گفته شد شوروی به روشنی آمریکا را تهدید کرده بود که چنانچه این اقدام صورت گیرد، با واکنش شدید مسکو روبه‌رو خواهد شد. اما دیدگاه دیگری نیز انقلاب اسلامی ایران را رخدادی، هم در جهت اجرای ایدئولوژی سوسیالیستی و هم شکستی برای رقیب اتحاد شوروی ارزیابی می‌کرد. دلیل اصلی خوش‌بینی حکومت ایران به روسیه پس از انقلاب اسلامی نیز به درک عمومی از موضع متفاوت آمریکا و روسیه نسبت به جمهوری اسلامی باز می‌گردد.

پیش از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، ایران در زمان محمدرضا پهلوی، هم‌پیمان ایالات متحده بود. هر دو کشور مسکو را تهدیدی مشترک برای خود برآورد می‌کردند. در نتیجه به طور طبیعی از آنجا که در طول جنگ سرد سقوط رژیم‌های اقتدارگرای متحد آمریکا، معمولاً به جایگزینی یک رژیم متحد اتحاد شوروی منجر می‌شد، انقلاب اسلامی ایران برای واشنگتن نگران‌کننده و برای مسکو امیدوارکننده بود. رخدادهایی که در روابط ایران و آمریکا رخ داد، مانند اشغال سفارت آمریکا، گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی و قطع روابط دو کشور نیز بر این امیدها افزود. اگر چه فصول ۵ و ۶ قرارداد دوستی ۱۹۲۱ ایران و شوروی نیز بر اساس شعار نه شرقی و نه غربی انقلاب اسلامی ایران لغو شد، اما جنگ ایران و عراق و پیش از آن تهاجم نظامی اتحاد شوروی به افغانستان که به شدت مورد اعتراض ایران قرار گرفت، تا حد زیادی این معادلات را بر هم زد.

به هر حال به دلیل ضربه‌های سنگینی که به ایران در زمینه تسلیحات در جریان جنگ تحمیلی تحمل شده بود و با توجه به تحریم‌های گوناگون آمریکا علیه اقتصاد ایران، تهران برای بازسازی ایران، پس از جنگ به گسترش رابطه با مسکو روی آورد و از اقدام‌های ضدایرانی شوروی در زمان جنگ تحمیلی عراق چشم‌پوشی کرد. شواهد تلاش تهران برای نزدیکی به مسکو نیز در دوره همه‌رییس‌جمهورهای حاکم بر ایران وجود دارد. در حالی که در برابر آن،

رفتار روسیه نسبت به ایران، بیشتر از عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی متاثر بوده است. نقش عامل امریکا در این زمینه غیرقابل چشم‌پوشی است (Trenin and Malashenko, 2010, 20). البته عوامل داخلی مؤثر بر این دگرگونی نباید مورد غفلت قرار گیرد. ایرانیان هم نقش مسکو را در بازداشتن فشارهای امریکا بسیار مهم ارزیابی کرده‌اند.

۳. فروپاشی شوروی؛ آغاز روابط جدید تهران - مسکو

فروپاشی اتحاد شوروی زمینه‌ساز آغاز سیاست سردرگم روسیه نسبت به ایران و تا حدودی هم ایران نسبت به روسیه بود. از جهت روسیه، به طور کلی سیاست خارجی این کشور در دهه ۱۹۹۰ دوره‌ای از آشفتگی شدید را پشت سر گذاشت. ضعف ادراک از تحولات محیطی، ناتوانی در سناریوپردازی، تصمیم‌گیری‌های نابسامان و منفعلانه ویژگی اصلی این دوره بود. (کولایی، ۱۳۸۹: ۲۴)، البته به دلیل تغییرهای بنیادین سیاسی، اقتصادی و نظامی، این سردرگمی تا حدودی قابل انتظار بود، برخی پژوهشگران به عوامل دیگری نیز در تبیین این دگرگونی اشاره می‌کنند. آنها با اشاره به عامل ژئوپلیتیک معتقدند فروپاشی شوروی و تغییر وضعیت همسایگی و به عبارت دیگر شروع دوره پسا همسایگی که به دور شدن روسیه از مرزهای ایران انجامید، موجب شکل‌گیری دوره نوین روابط میان دو کشور شده است. (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۱۱۲)، اما از سوی ایران، به نظر می‌رسد ارزیابی‌های مناسبی شکل نگرفته بود. مهمترین دلیل آن سفر هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در تابستان ۱۹۸۹ به روسیه و بستن قراردادهای مهم با دولت گورباچف آخرین رهبر اتحاد شوروی بود. این دیدار، تمایل تهران به مسکو را افزایش داده و شعار "نه شرقی، نه غربی" جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده بود. اگر چه در آن دوره، ایران که به تازگی از جنگ هشت ساله با عراق رهایی یافته بود، با گسترش روابط با اتحاد شوروی در پی بازسازی توان نظامی خود تلاش می‌کرد. بر این اساس هاشمی رفسنجانی با آغاز ریاست جمهوری خود، با سفر به مسکو فصل جدیدی در روابط ایران - شوروی گشود. اما خروج شوروی از افغانستان در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ و درگذشت امام خمینی در سال ۱۹۸۹ مزید بر علت شد تا تهران توجه بیشتری به مسکو داشته باشد. بر این اساس زمانی که ایران با فروپاشی اتحاد شوروی غافلگیر

شد، نتوانست موضع‌گیری متناسب با روند تحولات داشته باشد. همین عامل به ایجاد روابط سرد با روسیه به عنوان بازمانده و وارث اصلی اتحاد شوروی منجر شد.

برآیند مواضع ایران در برابر کودتای اوت ۱۹۹۱ علیه میخائیل گورباچف؛ همچنین به توپ بسته شدن مجلس روسیه در سال ۱۹۹۳ حمایت از کمونیست‌های تندرو بود. در مجموع دولت ایران از کسانی حمایت می‌کرد که مخالف بوریس یلتسین، رئیس جمهور روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی بودند. افزون بر آن در سیاست خارجی دولت جدید روسیه و آندری کوزیرف، اولین وزیر امور خارجه این کشور، همکاری روسیه و آمریکا به ضرورتی اساسی تبدیل شده بود. بر این اساس حتی مقام‌های ایرانی از تریبون‌های رسمی، یلتسین را به عنوان عامل آمریکا معرفی می‌کردند؛ همین عوامل علاوه بر سیاست ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، موجب ایجاد بدگمانی در مسکو نسبت به تهران شد. در حالی که قراردادهای تسلیحاتی انجام شده وابستگی نظامی ایران به روسیه را افزایش داده بود.

از نیمه دوم سال ۱۹۹۵ با تغییرهای ایجاد شده در دستگاه سیاست خارجی روسیه و سپس درک ضرورت‌های جدید داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی رهبران روسیه، گسترش روابط روسیه و ایران در دستور کار سیاست خارجی روسیه قرار گرفت. به عبارت دیگر، چند تحول داخلی و منطقه‌ای موجب تمایل روسیه به همکاری با ایران شد. اول اینکه در پی تحولات داخلی روسیه در سال‌های ۹۳-۱۹۹۲ و قدرت یافتن ویکتور چرنومردین، دگرگونی در سیاست خارجی این کشور رخ داد. یلتسین نیز در پی فشار نیروهای ملی‌گرا در داخل، لحن خود در سیاست خارجی را تغییر داد (کولایی، ۱۳۷۴: ۸۵). جنگ اول چچن (۹۶-۱۹۹۴) و حمایت ایران از تمامیت ارضی فدراسیون روسیه، با وجود سرکوب مسلمانان چچنی، رضایت مسکو را در پی داشت. ایران از یک‌سو به دلیل اینکه خود را در برابر تجزیه‌طلبی آسیب‌پذیر می‌دید و از سوی دیگر به دلیل منافع روابط با روسیه، در برابر برخوردهای خشونت‌آمیز مسکو در موضوع چچن سکوت اختیار کرد. روسیه و ایران همچنین برای پایان دادن به جنگ داخلی ۵ ساله تاجیکستان (۱۹۹۷-۱۹۹۲) با یکدیگر همکاری کردند

(Kozhanov, 2015, 7). روسیه از تشدید بحران تاجیکستان نگران بود. ایران نیز همان-طور که می‌توانست در ۶ کشور مسلمان‌نشین جمهوری آذربایجان، ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، قزاقستان و تاجیکستان اعمال نفوذ کند، مورد تهدید قومی برخی از این کشورها هم قرار داشت. گسترش نفوذ طالبان در افغانستان و برجسته شدن خطر نفوذ آنان به مناطق مسلمان‌نشین پیرامونی، نیز نگرانی مشترک تهران و مسکو در مورد تداوم جنگ داخلی تاجیکستان بود.

بنابراین همکاری برای پایان این بحران برای هر دو طرف ضروری بود. تجربه موفق همکاری ایران و روسیه در پایان بخشیدن به جنگ داخلی تاجیکستان، سبب ایجاد دگرگونی هرچند با برجا ماندن برخی تردیدها، در رویکرد روسیه به جمهوری اسلامی ایران شد (کولایی، ۱۳۸۴: ۲۹). رهبران روسیه دریافته بودند که ایران در آسیای مرکزی نقش مهم و سازنده‌ای را می‌تواند اعمال کند. بنابراین به تجهیز ایران با سیستم‌های نظامی جدید ادامه دادند. این سیاست مخالفت شدید ایالات متحده را به همراه داشت. اما واکنش ایران در مورد شورشیان چین در سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۶ و حمایت از سیاست روسیه در بوسنی در ۱۹۹۳-۱۹۹۵ سبب شد روابط دو کشور بدون توجه به مخالفت آمریکا گسترش یابد. از ژانویه ۱۹۹۵ که قرارداد همکاری روسیه با ایران برای به پایان بردن نیروگاه هسته‌ای بوشهر، در کنار همه مزایای اقتصادی و سیاسی از نظر ویکتور میخاییلوف که سپس وزیر انرژی روسیه شد، این همکاری را راهگشای حضور روسیه در همکاری‌های مشابه در منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس دانست (Orlov, 2005, 51).

روسیه مایل بود در غیاب آمریکا خلایی که در ایران با سقوط رژیم شاه و در عراق با سقوط صدام ایجاد شده بود، پر کند. البته مسکو می‌دانست که برخلاف عراق و لیبی، کشورهای اروپای غربی خواستار تقویت روابط اقتصادی با ایران هستند. بنابراین حمایت کامل اقتصادی و سیاسی روسیه و تقاضای قاطعانه رهبران روسیه برای ایفای نقش برتر جهانی با توجه به رویارویی ایران و آمریکا، سبب شد دو کشور در مسیر نزدیکی فزاینده قرار گیرند. موضوع روابط روسیه با آمریکا، فراز و فرود آن در دوره‌های مختلف و مسایل گوناگون دو کشور همواره

روابط روسیه با ایران را شکل داده است (Kozhanov, 2015, 5). تلاش ایران و روسیه برای حفظ ثبات سیاسی و امنیت در آسیای مرکزی و قفقاز، سبب افزایش اعتماد روسیه به ایران شد. روسیه، ایران را یک قدرت منطقه‌ای یافت که می‌تواند به ثبات و امنیت در "خارج نزدیک" کمک کند. ایران در منازعات حوزه نفوذ سنتی روسیه، مانند قفقاز جنوبی در جنگ قره‌باغ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان فعالانه به عنوان میانجی و صلح‌ساز وارد عمل شد و حتی توانست تاحدی از شدت این منازعه بکاهد. جهت‌گیری ایران در جریان جنگ دوم چچن در سال ۱۹۹۹ برای دولت روسیه بسیار ارزشمند بود. ایران با اجرای سیاستی واقع‌گرایانه از موضع‌گیری به سود مسلمانان چچن خودداری کرد و در بهبود روابط روسیه با کشورهای اسلامی در جایگاه رییس سازمان کنفرانس اسلامی نقشی سازنده داشت. تلاش فعالانه تهران در حفظ صلح و ثبات در منطقه سبب شد هزینه‌های روسیه در حفظ ثبات کشورهای این منطقه کاهش یابد. روسیه هم کوشید روابطش را با ایران گسترش دهد (Freedman, 2000).

به طور کلی در دوره آندره کوزیرف با وجود سیطره غرب‌گرایی در دولت روسیه، روابط ایران با این کشور با فروش تسلیحات نظامی به تهران روندی رو به گسترش داشت. در جریان افزایش انتقادهای نمایندگان دوما بر یلتسین به دلیل گرایش‌های غرب‌گرایانه و نیز فشار برای افزایش روابط روسیه با عراق و حمایت از این کشور در برابر امریکا، یلتسین از موضوع رابطه مسکو - تهران برای اثبات ملی‌گرایی دولت خود استفاده می‌کرد. به باور او این موضوع نشانه‌دهنده استقلال سیاست خارجی روسیه از امریکا بود. در این دوره با وجود تحریم‌های ایالات متحده، در غیاب شرکت‌های آمریکایی در بازارهای ایران، گاز پروم روسیه و شرکت فرانسوی توتال، قرارداد توسعه پارس جنوبی را از آن خود کردند. اما آنچه بار دیگر این رابطه را متزلزل ساخت، بحران سیاسی و اقتصادی روسیه بود که بار دیگر توجه مسکو را به واشنگتن افزایش داد. با افزایش نگرانی‌های ایالات متحده در مورد گسترش روابط ایران و روسیه، در سال ۱۹۹۵ در پی دیدار آل‌گور، معاون رئیس جمهوری آمریکا و نخست وزیر روسیه ویکتور چرنومردین، مسکو با توقف صدور تسلیحات به ایران موافقت کرد (Freedman, 2006, 7). از همان

آغاز ارتباطات روسیه با ایران برنامه استوار بر اصل منع گسترش و محدود به طرح‌های صلح آمیز بود. علاوه بر این برای تأمین نظر شرکت‌های امریکایی، دولت روسیه به صورت غیررسمی به امریکا وعده داد که همکاری در برنامه هسته‌ای ایران محدود به بوشهر باشد (Kozhanov, 2012). روسیه همواره با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مخالفت خود را نشان داده است (Katz, 2015, 2)، اما همکاری هسته‌ای با ایران نیز برای این کشور مزایای گوناگون سیاسی و اقتصادی در بر داشته است. روسیه همواره به صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران و پابندی دولت ایران به این موضوع تأکید داشته است (Hibbs, 2013). اما سقوط روبل در سال ۱۹۹۸ و بحران سیاسی ناشی از آن، به طور کلی سیاست خارجی روسیه را هم منفعل ساخت.

انتظار می‌رفت با انتخاب یوگنی پریماکف و افزایش نفوذ اوراسیاگرایان بر سیاست خارجی روسیه، بار دیگر به سود روابط ایران و روسیه بازگردد. همزمان با تحول در سیاست خارجی روسیه، با روی کار آمدن سید محمد خاتمی در ایران، دگرگونی‌هایی نیز در سیاست خارجی ایران رخ داده بود. در واقع از نیمه دهه ۱۹۹۰ عمل‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز از برجستگی بسیار برخوردار شده و ظرفیت بیشتری را در جهت تنظیم روابط رو به گسترش دو کشور ارائه کرده بود (کولایی، ۱۳۸۴: ۱۲۵). دگرگونی‌های داخلی در ایران، قدرت گرفتن اصلاح‌طلبان و احتمال بهبود مناسبات ایران و غرب، تمایل روس‌ها را به همکاری با ایران افزایش داد. ایران علاوه بر خرید سلاح از روسیه، به دنبال مجوز برای تولید برخی از این سیستم‌ها در ایران بود. مجوزهای مربوط به تولید سلاح، به دلیل اینکه با منافع ملی روسیه سازگار نبود، رد شد (Kozhanov, 2012). اما دومین دلیل که به کاهش مناسبات ایران و روسیه انجامید و به گونه‌ای روسیه را به سود بیشتر معامله با آمریکا متوجه ساخت، شرایط دشوار اقتصاد ایران بود که اجازه نمی‌داد به طور پایدار هزینه‌های تسلیحات روسی و دیگر تجهیزات خریداری شده را به موقع بپردازد. به همین دلیل با این که پیش‌بینی می‌شد حجم مبادله تجاری بین دو کشور در سال ۱۹۹۶ به ارزش چندین میلیارد دلار برسد، در این سال حجم مبادلات روسیه و ایران تنها به ۴/۵ میلیون دلار کاهش یافت. دلیل دیگر

رقابت طبیعی تهران - مسکو در حوزه انرژی بوده است. تلاش ایران برای ایجاد مسیر جایگزین برای صدور گاز و نفت آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در تعارض با تلاش‌های مسکو برای کنترل صادرات منابع انرژی این کشورها بود. کنترل مسیرهای انتقال انرژی از شرق و غرب دریای خزر، برای روسیه نه تنها مزایای اقتصادی، بلکه امتیازهای گوناگون سیاسی نیز در بر داشت.

به دلیل وجود زمینه‌های یاد شده، از اوایل سال ۱۹۹۷ رفتارهای خصومت‌آمیز روسیه علیه ایران شروع شد تا جایی که در اواخر سال ۱۹۹۷ یک دیپلمات ایرانی به جرم قاچاق فناوری موشکی اخراج گردید و از ژانویه ۱۹۹۸ روابط دو کشور دچار رکود شد. این وضعیت تا سال ۱۹۹۹ که با انتقاد کنگره آمریکا، تنش میان مسکو و واشنگتن افزایش یافت، ادامه داشت. در پی بروز بحران شدید اقتصادی روسیه در اوت ۱۹۹۸، روسیه در مخالفت با ایالات متحده که شرکت‌های روسی را به دلیل آزمایش موشکی ایران تحریم کرده بود، بار دیگر موضوع برنامه صدور تسلیحات به ایران از سوی روسیه از سرگرفت. در نوامبر همان سال، یوگنی آدامف، وزیر وقت انرژی هسته‌ای روسیه به تهران سفر کرد. او در جریان دیدار از روند اجرای پروژه نیروگاه بوشهر، موافقت‌نامه همکاری تخصصی با ایران را امضا کرد. مقام‌های روسی متعهد شدند که این نیروگاه را تا سال ۲۰۰۳ تکمیل و به ایرانیان تحویل دهند. روسیه در برابر فشارهای گوناگون آمریکا، همواره بر پایبندی ایران به مقررات سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای تأکید داشته است (Mizin, 2004, 81)، اما با شکل‌گیری بحران کوزوو، روابط روسیه با ایران هم وارد مرحله بحرانی و پیچیده‌ای شد. این بحران‌ها با تصمیم کرملین برای حمله نظامی به جدایی‌طلبان چچن در اوت ۱۹۹۹ بیشتر شدت یافت. در همان هنگام مسکو از پیامدهای طرح گفتگوی تمدن‌های محمد خاتمی و رویکرد سیاست خارجی دولت او که می‌توانست به ایجاد ارتباط میان ایران و آمریکا و کاهش نفوذ روسیه در تهران منجر شود، نگران بود.

۴. جایگاه ایران در اوراسیاگرایی پوتین

از اواخر دهه ۱۹۹۰ ولادیمیر پوتین با تأکید بر اندیشه «قدرت بزرگ مدرن هنجارمند»، به عنوان منتقد اصلی سیاست خارجی پریماکف که از دیدگاه او جاه طلبانه، ایدئولوژیک، تقابلی جویانه و ضدغربی بود، ظاهر شد. او ضمن توجه جدی به ضرورت سازگاری در عرصه خارجی، سه اصلِ نوسازی اقتصادی، دستیابی به موقعیتی شایسته در فرآیند رقابت جهانی و بازگشت جایگاه روسیه در عرصه بین الملل به عنوان یک «قدرت بزرگ» را مبنای سیاست خارجی خود قرار داد. پوتین با رویکردی عمل‌گرایانه که با توجه به ضرورت‌ها، بر قابلیت‌های روسیه نیز تأکید داشت، به عملیاتی کردن این اهداف روی آورد (کولایی، ۱۳۸۹: ۲۴). مدتی کوتاه پس از ظهور پوتین در روسیه، روابط تهران و مسکو بار دیگر به سوی همکاری رفت. پوتین وقتی در روسیه به قدرت رسید که بیش از دو سال از به قدرت رسیدن اصلاح‌طلبان در ایران می‌گذشت. در سال ۱۹۹۷ سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی رسیده بود و مدت کوتاهی پس از انتخاب پوتین به عنوان رئیس جمهوری روسیه، در انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران نیز اکثریت اصلاح‌طلب به پارلمان راه یافتند. این تحولات موجب نگرانی مسکو از احتمال بهبود در روابط تهران - واشنگتن می‌شد، اما پس از ملاقات خاتمی با پوتین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۰۰ و سپس انتقادهای او از سازمان ملل در سخنرانی‌اش در مجمع عمومی در مورد محکوم کردن ایران به دلیل دستگیری چند جاسوس یهودی، شرایط از دیدگاه روس‌ها بهتر شد. در همین حال پوتین که احیای قدرت روسیه را هدف اصلی خود قرار داده بود، به خوبی آگاه بود که فرایند توسعه روسیه بدون تعامل مثبت با غرب، با مشکلات و تأخیر زیادی همراه خواهد شد. او تأکید داشت مسکو باید میان رفتارهای نظامی خود در مورد چین، هند و ایران و رویکرد اقتدارآمیز در "خارج نزدیک" از یک سو و ایجاد تصویری بهتر از خود در غرب و نیز همکاری با نهادهای غربی با مهارت و ابتکار عمل رفتار کند. (کولایی، ۱۳۸۹، ۲۲۲)

پوتین ضمن اینکه شرایط توافق گور-چرنومردین را در اکتبر ۲۰۰۰ رد و اعلام کرد دوباره به فروش سلاح به ایران و تکمیل نیروگاه بوشهر خواهد پرداخت، با رخداد تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، با آمریکا و ناتو در مورد حمایت لجستیکی از حمله نظامی به افغانستان

همکاری مؤثری داشت. یکی از مهمترین شاخص‌های رویکرد عمل‌گرایانه پوتین در این دوره از سیاست خارجی روسیه و نقطه قوت او این بود که برخلاف گورباچف و سپس یلتسین، به ضعف‌ها و محدودیت‌های منابع در این حوزه از جمله کاهش قابل ملاحظه توان نظامی، افت توان اقتصادی و تنزل موقعیت سیاسی روسیه در عرصه بین‌الملل نگاهی واقع‌گرایانه داشت. پوتین کوشید اهداف سیاست خارجی را با توجه به امکانات و خواسته‌ها در محیط داخلی و نیز دیپلماتیک دو محیط داخلی و خارجی تنظیم کند (کولایی و نوری، ۱۳۸۶: ۳۹).

سفر محمد خاتمی رئیس‌جمهوری ایران به مسکو در سال ۲۰۰۱ آغازی بر دور جدید توافق‌های تهران - مسکو بود. هر دو طرف، آشکارا انگیزه‌ها و اهداف کافی برای توسعه مناسبات دوجانبه داشتند. برخلاف نخستین دهه پس از استقلال روسیه که رویکرد غرب‌گرایانه بر سیاست خارجی این کشور حاکم بود، در پرتو حاکمیت نگرش اوراسیاگرایانه بر مسکو، توسعه روابط روسیه با جمهوری اسلامی ایران هدف قرار گرفت. بهبود بهای انرژی همچنان‌که درآمد روسیه را افزایش داده بود، شرایط اقتصادی ایران را نیز بهبود بخشیده بود و از نظر روس‌ها احیای روابط تسلیحاتی می‌توانست منبع درآمد جدید روسیه باشد. ایران پس از هند و چین سومین واردکننده سلاح از روسیه برآورد می‌شد. ضمن اینکه توسعه روابط نظامی با تهران می‌توانست ظرفیت‌های مناسبی برای چانه‌زنی مسکو با واشنگتن در بر داشته باشد (کولایی، ۱۳۸۴: ۱۲۵). در همان حال رابطه ایالات متحده و روسیه با لغو توافق ضد موشک‌های بالستیک^۱ از سوی آمریکا و گسترش ناتو به سوی کشورهای حوزه بالستیک بدتر شده بود (Freedman, 2006, 13). برای تهران نیز دسترسی به تکنولوژی نظامی روسیه و توانمندی موشکی ایران، می‌توانست مانع تهدیدهای روزافزون غرب علیه تهران به بهانه مسأله هسته‌ای شدن و به کسب اعتبار منطقه‌ای ایران کمک کند.

با آغاز دور جدید معاملات نظامی ایران و روسیه در اولین گام، یک قرار داد ۸ میلیون دلاری بین شرکت روس آبرون اکسپورت و ایران بسته شد. در دوم اکتبر ۲۰۰۱ روسیه و

^۱ ABM

ایران موافقتنامه‌ای را امضاء کردند که این کشور به ایران سالانه تا سقف ۳۰۰ میلیون دلار تسلیحات متعارف بفروشد. از نگاه مسکو بازار ایران ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای واردات تسلیحات متعارف روسیه دارد که یکی از منابع مهم ارزی این کشور است. از جمله عوامل توسعه روابط دو کشور این بوده که در پی خودداری آمریکا از تجارت با ایران، مسکو یک مشتری آماده را برای تسلیحات و همچنین دانش هسته‌ای خود یافته است. در موضوع برنامه هسته‌ای ایران، هرچند مسکو خود را به طور کامل به اصول عدم گسترش هسته‌ای پایبند می‌داند، اما رویکرد آمریکا نسبت به ایران را رد می‌کند (Bowker, 2007).

بدین ترتیب در سال ۲۰۰۳ سطح تجارت روسیه با ایران به حدود ۱/۴ میلیارد دلار رسید. مسکو بدین ترتیب توانست ایالات متحده را متقاعد کند که برای منحرف کردن روسیه باید به روش مسالمت‌آمیزی روی بیاورد، از این رو واشنگتن نیز ضمن موافقت با پیوستن روسیه به گروه کشورهای صنعتی، علاوه بر اختصاص کمک ۲۰ میلیون دلاری به روسیه برای از کار انداختن تجهیزات نظامی باقی‌مانده از اتحاد شوروی، وعده یک کمک ۱۰ میلیون دلاری نیز به مسکو داد. اما روسیه به دلیل متعدد بی‌اعتمادی به آمریکا و تعهدهای حقوقی به ایران نسبت به این معامله با ایالات متحده بی‌میل بود. منافع اقتصادی در معامله با ایران و ضرورت پیگیری سیاست مستقل در آستانه انتخابات دوما و ریاست جمهوری (Freedman, 2006) آشکار بود، اما از سوی دیگر، مسکو در مورد حمله نظامی احتمالی ایالات متحده و اسرائیل به راکتور هسته‌ای بوشهر نگران بود. در این زمان مسأله وقتی پیچیده‌تر شد که ماهواره‌ها نشان دادند ایران علاوه بر راکتور هسته‌ای بوشهر در حال ساخت تجهیزات هسته‌ای دیگری در نزدیکی نطنز و یک نیروگاه آب سنگین در نزدیکی اراک است.

البته در این دوره اختلاف‌هایی هم میان دو کشور وجود داشت. با فروپاشی اتحاد شوروی، دیگر فقط موضوع دو کشور ایران و اتحاد شوروی در دریای خزر مطرح نبود. در پی تجزیه اتحاد شوروی، شمار همسایگان ایران در دریای خزر به چهار کشور افزایش یافته بود که در مورد چگونگی تقسیم دریای خزر و بهره‌برداری از ذخایر نفتی آن با یکدیگر اختلاف داشتند. هر چند ایران و روسیه در نخستین سال‌های پس از فروپاشی بر اعتبار قراردادهای ۱۹۲۱ و

۱۹۴۰ تأکید داشتند، اما به زودی مسأله رژیم حقوقی دریای خزر و بهره‌گیری از منابع گوناگون این دریاچه، به یکی از جدی‌ترین اختلاف‌های روسیه و ایران تبدیل شد. روسیه از سال ۱۹۹۸ به تقسیم دریای خزر و بستن قرارداد دوجانبه ابتدا با قزاقستان و سپس در سال ۲۰۰۰ با جمهوری آذربایجان روی آورد (کولایی، ۱۳۸۴: ۴۹).

در دیدار خاتمی و پوتین در مسکو، بار دیگر موضوع دریای خزر در روابط دو کشور مطرح شد. ایران مخالف توافق روسیه قزاقستان در ژوئیه ۱۹۹۸ بود و خواستار تقسیم برابر منابع دریایی شد. در سال ۲۰۰۲ توافق سه‌جانبه روسیه با جمهوری آذربایجان و قزاقستان امضا شد (کولایی و علیزاده، ۱۳۹۵). در اولین نشست رهبران کشورهای ساحلی خزر در آوریل ۲۰۰۲ که با حضور خاتمی و پوتین در جمهوری ترکمنستان برگزار شده بود، هیچ توافقی حاصل نشد. اما با وجود تلاش‌های ایالات متحده که در جهت توسعه خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان و خط لوله گاز باکو - تفلیس ارضروم بود. همزمان مسکو و تهران نگران گرایش گرجستان و جمهوری آذربایجان برای همکاری نزدیک و بیشتر با ناتو بودند، ایران و روسیه چاره‌ای جز هماهنگی در سیاست‌های خود در این منطقه و یا به عبارت دیگر مدارای مسکو و تهران در این منطقه نداشتند. در سال ۲۰۰۱ با اقدام قاطع و سریع ایران، تلاش شرکت نفت انگلیس برای اکتشاف نفت به سفارش جمهوری آذربایجان در بخشی از دریای خزر که ایران مدعی آن بود، متوقف شد. در اوت ۲۰۰۲ مسکو قرارداد خرید گاز طبیعی از ترکمنستان را نهایی کرد (کولایی و گودرزی، ۱۳۹۲). برای روسیه با توجه به تلاش‌های بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های ایران بسیار مهم بوده است (Kasting and Fite, 2012, 33).

نشست سران کشورهای حاشیه خزر در تهران در اکتبر ۲۰۰۷ و دیدار پوتین رئیس جمهور روسیه با آیت الله سید علی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران افق‌های جدیدی از همکاری دو جانبه و منطقه‌ای را در آسیای مرکزی برای دو طرف در منطقه خزر و قفقاز گشود. توافقی‌هایی هم در زمینه افزایش روابط اقتصادی دو کشور انجام شد که اراده لازم برای عملیاتی شدن نداشت. به‌طور نمونه در جریان نشست کمیسیون همکاری‌های اقتصادی روسیه

- ایران در مسکو در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۷ پیش‌نویس توسعه دراز مدت روابط تجاری-اقتصادی، صنعتی و همکاری‌های فنی بین روسیه و ایران امضا شد. در همین زمینه در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۷ پیش‌نویس همکاری برای برابری استانداردها و معیارهای دو کشور بین سازمان فدرال استاندارد روسیه و سازمان استاندارد و کنترل کیفیت ایران بسته شد. علاوه بر این، در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۷ دولت ایران و روسیه توافق‌نامه‌ای در مورد همکاری در حوزه گردشگری امضا کردند. در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین، در مسیر اجرای سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه، آشکارا عوامل راهبردی و سیاسی، جای ملاحظات اقتصادی را گرفته بود (Handa, 2012, 8). بر همین اساس روابط با ایران نیز بهبود بیشتری را تجربه می‌کرد، به ویژه در شرایطی که فشارهای امریکا نیز شدت می‌یافت. اما با انتقال قدرت از ولادیمیر پوتین به دمیتری مدودیف در سال ۲۰۰۸، بار دیگر روابط تهران و مسکو دچار رکود قابل توجهی شد.

۵. همراهی روسیه در تحریم ایران

مسکو ابتدا از انتخاب محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور ایران در سال ۲۰۰۵ استقبال کرد، زیرا او را متحد خود علیه دشمن مشترک یعنی آمریکا محسوب می‌کرد، اما پوتین به زودی متوجه شد که احمدی نژاد با اینکه ضد امریکایی است، اما سیاست پرهزینه‌ای در منطقه و محیط بین‌المللی دارد. با این حال آنچه بیشتر از این به زیان روابط ایران و روسیه تمام شد، پایان ریاست جمهوری پوتین و روی کار آمدن دمیتری مدودیف متمایل به غرب در مسکو بود. هر چند ماه‌های ابتدایی ریاست جمهوری مدودیف با اقدام نظامی روسیه در اوستیای جنوبی در اوت ۲۰۰۸ علیه گرجستان و به دنبال آن تقابل همه‌جانبه روسیه با غرب همراه شد، اما در ادامه مدودیف نشان داد که دوره‌ای از سیاست خارجی روسیه آغاز شده که تمایل بیشتر مسکو بر هماهنگی با غرب است. او و اوباما سیاست "بازشروع" را برای بهبود روابط با یکدیگر آغاز کردند. بر این اساس دیپلماسی روسیه در برابر ایران نیز روز به روز پیچیده‌تر شد. این دیپلماسی اگر چه دوگانگی پیشین را نداشت، اما فشار بیشتری بر ایران وارد می‌کرد.

تغییر رفتار مسکو در برابر تهران، تأثیر بسیار محسوس در موضوع هسته‌ای ایران داشت. تا جایی که احمدی نژاد با انتقاد از عملکرد روسیه در مورد ایران، از تعبیر روسیه به "پلیس خوب" در جمع کشورهای ۱+۵ استفاده کرد. با این حال مسکو در ژوئن ۲۰۰۹ برخلاف دولت‌های غربی و با وجود اعتراض‌های گسترده در تهران، بعد از انتخاب دوباره احمدی نژاد به عنوان ریاست جمهوری ایران، انتخاب وی را تبریک گفت. هر چند سخنان احمدی نژاد در مورد پرداخت غرامت توسط این کشور به سبب اشغال نیمه شمالی ایران توسط شوروی در جنگ جهانی دوم، موجب ناخشنودی مسکو شده بود. پس از آن سفر مدودیف به واشنگتن در سپتامبر ۲۰۰۹ با خبر راه‌اندازی تأسیسات فردو در تهران همراه شد که در طرف مقابل نیز رئیس جمهور روسیه در انتقاد از ایران پا را از شرکای غربی خود فراتر نهاد.

روابط ایران و روسیه در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۰، با وجود پشتیبانی مسکو از احمدی نژاد در رویارویی با جنبش سبز رو به وخامت گذاشت. در شرایط تیرگی روابط امریکا و روسیه، این کشور قرارداد یک میلیارد دلاری فروش موشک‌های اس ۳۰۰ به ایران را امضاء کرده بود (Trenin and Malashenko, 2010, 23). ولی با صدور قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران، روسیه تحویل آن را به حالت تعلیق درآورد. در برابر با مطرح شدن ابتکار دولت باراک اوباما برای تنظیم مجدد روابط دو کشور و "بازشروع" روابط امریکا و روسیه، تمایل مسکو برای همکاری با واشنگتن در موضوع هسته‌ای ایران افزایش یافت. اوج این دیپلماسی با صدور قطعنامه ۱۷۳۷ علیه ایران در سال ۲۰۱۰ و در پی آن تحریم‌های روسیه علیه ایران رخ داد. دمیتری مدودیف در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰ فرمانی با عنوان «اقدام‌های مربوط به اجرای قطعنامه شماره ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل مورخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰» صادر کرد که بر اساس آن صدور تانک، خودروهای زرهی، توپ‌های کالیبر بزرگ، هواپیماهای جنگی، بالگرد، ناو جنگی و سیستم‌های ضد هوایی «اس ۳۰۰» به ایران و همچنین واگذاری خدمات مالی در رابطه با «برنامه هسته‌ای» ایران از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی روسی به طرف‌های حقیقی و حقوقی ایرانی ممنوع شد. بر اساس این فرمان، حتی فعالیت مشترک با بانک‌های ایرانی در روسیه منع و اعلام شد شعبه‌های بانکی جدید و بنگاه‌های بیمه جدید

ایرانی در روسیه افتتاح نخواهند شد. در این دستور تصریح شده بود: «لازم است در جریان تعامل اقتصادی و از جمله انجام معامله با ساختارهای ثبت شده در ایران یا زیر حاکمیت حقوقی ایران، هوشیاری بیشتری مورد توجه قرار گیرد». افزون بر این، بر اساس این فرمان، ورود و حتی عبور آن بخش از اتباع ایران که با فعالیت اتمی تهران ارتباط داشتند، به و از روسیه ممنوع شده بود. در این رابطه در متمم شماره یک فرمان مدویدف فهرست سیزده نفر از اتباع ایرانی ممنوع‌الورود به و ممنوع‌العبور از روسیه منتشر شد. در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ روسیه پس از تأیید مصوبه‌های شورای حکام سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای، به همه قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران رأی مثبت داد (Kozhanov, 2015, 6). روسیه با توجه به قرار گرفتن ایران در مرزهای جنوبی‌اش، با دقت و توجه بسیار برنامه هسته‌ای آن را زیر نظر داشته است (Ryabkov, 2012, 12). روسیه در این دوره، ما به ازای مناسبی را نیز از آمریکا را دریافت کرد؛ تعلیق گسترش ناتو به شرق (به‌ویژه به اوکراین و گرجستان)، تعلیق برنامه استقرار منطقه سوم سپر دفاع ضد موشکی آمریکا در اروپای شرقی، موافقت با بستن پیمان استارت^۳، موافقت آمریکا با پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی، از سرگیری فعالیت شورای روسیه - ناتو و طرح موضوع استقرار سپر دفاع ضد موشکی مشترک بین طرفین در نشست سران روسیه و ناتو در لیسبون در نوامبر ۲۰۱۰.

مارک کاتز فضای دشمنی‌آلود میان تهران و واشنگتن را، موجب به وجود آمدن مزایایی برای روسیه از جمله محروم شدن ایران از معادلات انرژی منطقه و اروپا و مساعد شدن فضای فعالیت اقتصادی شرکت‌های روسی در ایران می‌داند. سیاست نرم اوپاما در مورد ایران، در ابتدای ریاست جمهوری او که از جمله در قالب پیشنهاد گفتگو به تهران دنبال شد، سبب بروز نگرانی‌هایی در کرملین، در مورد از دست رفتن این مزایا به تبع بهبود احتمالی روابط تهران - واشنگتن می‌داند (Katz, 2010: 62-63). شروع بهار عربی در خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ به عقب‌نشینی کرملین از حمایت‌های قبلی خود از سیاست‌های دولت اوپاما در مورد پرونده هسته‌ای ایران شد. با این حال بر اساس همان سیاست دوگانه، توقف روابط تجاری ایران و

روسیه ادامه داشت. در نتیجه حجم اندک مبادلات دو کشور نیز همچنان روند نزولی داشت (Mamedova, 2016:132).

حجم مبادلات تجاری ایران و روسیه ۲۰۱۴-۲۰۱۰ به نقل از وزارت اقتصاد فدراسیون روسیه (میلیون دلار) ^۱			
سال	صادرات	واردات	مبادله کالا
۲۰۱۰	۳۳۷۸	۲۷۲	۳۶۵۰
۲۰۱۱	۳۴۰۰	۳۵۰	۳۷۵۰
۲۰۱۲	۱۹۰۰	۴۳۰	۲۳۳۰
۲۰۱۳	۱۱۷۰	۴۳۰	۱۶۰۰
۲۰۱۴	۱۳۲۷	۳۵۵	۱۶۸۲

برخی از تحلیل‌گران و استراتژیست‌های روسیه، ایران را تهدیدی برای روسیه می‌دانند. از دیدگاه آنان یک ایران قدرتمند که آسیای مرکزی، قفقاز و خزر را در سند چشم‌انداز بیست ساله، حوزه حیاتی خود می‌داند، می‌تواند تهدیدی جدی برای منافع و نفوذ روسیه در این حوزه باشد. بر این اساس در دوره مناقشه هسته‌ای ایران، این تفکر بین روس‌ها وجود داشت که چه بسا آمریکا بتواند ایران هسته‌ای را در مرزهای روسیه به عنوان رقیبی در برابر روسیه بپذیرد. (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۸۷-۱۸۶b).

۶. بازگشت پوتین و توافق هسته‌ای ایران

ولادیمیر پوتین سال ۲۰۱۲، در حالی به عنوان رئیس‌جمهور به کاخ کرملین بازگشت که به تصویب دوما و تغییر قانون اساسی روسیه می‌توانست تا سال ۲۰۱۸ و انتخاب دوباره، رئیس‌جمهور باشد. سیاست روسیه در مورد ایران در دو سال نخست سومین دور ریاست جمهوری

¹ Ministry of Economic Development of the Russian Federation. Foreign economic information portal. Sorted by country. www.ved.gov.ru/monitoring/foreign_trade_statistics

پوتین که با دو سال پایان ریاست جمهوری احمدی نژاد هم‌زمان بود، با توجه به سیاست قبلی کرملین تغییر آشکاری نداشت. روی کار آمدن دوباره پوتین در سال ۲۰۱۲ نیز به‌تنهایی نتوانست این رابطه را دوباره احیا کند. در جریان مذاکرات ایران با قدرت‌های جهانی در چارچوب گروه ۵+۱، روسیه همواره به اطمینان‌بخشی به اسرائیل در مورد برنامه هسته‌ای ایران توجه ویژه داشت. پوتین نیز این سیاست را به‌طور جدی دنبال کرده است (Kasting and Fite, 2012, 39). پیروزی حسن روحانی و گفتمان اعتدال‌گرا در انتخابات ۲۰۱۳ در ایران، با وعده تنش‌زدایی در روابط با آمریکا و غرب و حل مسئله اتمی ایران، بار دیگر بر توجه روسیه نسبت به ایران افزود. در این دوره که با تشدید بحران سوریه و افزایش تمایل روسیه برای ایفای نقش در خاورمیانه هم‌زمان بود، موضوع همکاری منطقه‌ای به محور همکاری تهران - مسکو تبدیل شد. رویکردهای مشترک دو کشور در مورد مسایل افغانستان، عراق و سوریه سبب شد سرگئی لاوروف در سپتامبر ۲۰۱۴ ایران را "متحد طبیعی" روسیه بخواند (Kozhanov, 2015, 9). مشکلات روسیه با آمریکا و اروپا در مورد مسایل اوکراین این روابط را، به‌ویژه پس از تحریم روسیه توسط آنان، بیشتر روابط دو کشور را زیر تأثیر قرار داد. در تحولات موسوم به **انقلاب‌های عربی** سبب شد نزدیکی ایران و روسیه در رویارویی با مداخلات آمریکا در روند امور داخلی مسایل کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا برجسته‌تر شود. روسیه به شدت با روند دمکراتیک‌سازی مورد حمایت آمریکا در کشورهای غرب و مرکز آسیا مخالف بوده است (Handa, 2012, 4).

در همان حال تحولات زیادی که هم در ایران و هم در روسیه رخ داد، از جمله شکل‌گیری بحران اوکراین و تحریم روسیه از سوی غرب و به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای و مهمتر از همه ورود روسیه به صحنه عملیاتی نبرد سوریه، موجب شکل‌گیری مرحله جدید در روابط تهران و مسکو شده و روابط دو کشور در ابعاد مختلف؛ در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، همکاری‌های منطقه‌ای روند رو به رشد گرفت. برای اولین بار پس از دیدار دوباره ولادیمیر پوتین و آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در تهران، رهبران تهران و مسکو اعلام آمادگی کردند که با گذشت حدود ۲۵ سال از فروپاشی شوروی، روابط ایران و روسیه با گسترش در همه حوزه‌ها

به رابطه‌ای راهبردی تبدیل شود. به همین دلیل از سال ۲۰۱۵ پس از سفر ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه به ایران، اراده سیاسی شکل گرفته در تهران و مسکو، موجب حرکت‌هایی در رابطه اقتصادی دو کشور شد. با همه اراده و تدابیر لازم، حجم مبادلات تجاری بین ایران و روسیه در سال ۲۰۱۶ به کمی بیشتر از یک و نیم میلیارد دلار رسیده که اصلاً متناسب با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دو کشور نبوده است.

با توجه به کاهش موانع سیاسی و اقتصادی، انتظار می‌رود ارزش مبادلات دو کشور افزایش یابد. بنا به اعلام مقام‌های روسی، روابط تجاری مسکو و تهران در حالی با افزایش ۸۰ درصدی در ۹ ماهه اول سال ۲۰۱۷ به یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسیده که هم‌زمان ارزش مبادلات اقتصادی روسیه با چین، ویتنام و هند کاهش نشان می‌دهد. بر اساس برآوردها این رقم همچنان سهم ایران از تجارت خارجی روسیه را کمتر از یک درصد حفظ کرده است. بر اساس آمار وزارت صنعت و معدن از ده ماهه اول سال ۱۳۹۵ و مقایسه آن با آمار ده ماهه سال ۱۳۹۴، فدراسیون روسیه با افزایش سهم ۱۷۹ درصدی در میان کشورهای صادرکننده به ایران در رتبه هفتم قرار گرفته است. نکته مهم دیگر این است که در رتبه‌های بالاتر از روسیه جز آلمان، ارزش تغییرها منفی بوده است. اما از سوی دیگر با وجود تسهیل شرایط صادراتی ایران به روسیه، هنوز این کشور در میان ۱۵ کشور اول مقصد صادراتی ایران قرار نگرفته است. بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد **سهم ایران در تجارت خارجی روسیه در سال ۲۰۱۵ در حدود ۲ درصد واردات و ۳ درصد صادرات این کشور بوده است. در همان حال سهم روسیه در واردات و صادرات ایران، به ترتیب ۲/۵ و ۷ درصد بوده است (Opinion Poll, 2019, 9).**

مقایسه ارزش صادرات روسیه به ایران در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵

درصد تغییرات	ده ماهه سال ۱۳۹۴				ده ماهه سال ۱۳۹۵					
	ارزش	وزن	سهام ارزش	سهام وزن	ارزش (دلار)	وزن (کیلوگرم)	سهام ارزش	سهام وزن	ارزش (دلار)	وزن (کیلوگرم)
	۱۷۹,۹۱	۱۶,۸۲	۱,۴۷	۴,۸۰	۴۹۸,۴۶۶,۱۳۴	۱۳۶,۹۴۸,۵۷۷	۳,۹۹	۵,۷۷	۱۳۹۵,۱۹۹,۱۹	۱۵۸,۹۹,۶۳۴۰

منبع: وزارت صنعت و معدن

این در حالی است که در این مدت توافقاتی بین ایران و روسیه در زمینه پروژه‌های بزرگ دولتی انجام شده است که می‌تواند ارزش روابط تجاری میان دو کشور را افزایش دهد. در این میان توافقاتی در زمینه‌های حمل و نقل و روادید، گمرک و تعرفه‌ها، روابط استانی، نمایندگی‌های مختلف در صنایع کوچک و بزرگ، شرایط را برای افزایش مبادلات بازرگانی در بخش‌های خصوصی را هم فراهم می‌کند. به همین ترتیب می‌توان گفت بر اساس نقشه راه شکل گرفته در روابط اقتصادی ایران و روسیه، توافقاتی نیز شامل دو بخش تأسیس روابط اقتصادی بلندمدت راهبردی و تقویت روابط فعلی و تجاری خود است.

طرفداران رابطه ایران و روسیه معتقدند، رابطه ایران و روسیه وجوه دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد، که در سطوح اخیر تابع شرایطی متحول و دخالت مؤلفه‌های گوناگون است که در بسیاری موارد در اختیار مستقیم تهران و مسکو نیستند. اما روابط دو جانبه دو کشور با اراده دو جانبه می‌تواند در هر شرایطی توسعه یابد. اگر ارزش این رابطه دوجانبه برای هر دو کشور افزایش یابد، جهت‌گیری در مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی به هم نزدیک‌تر خواهد شد. در دیدگاه روس‌ها نیز رابطه دوجانبه به عنوان دریچه‌ای برای نزدیکی و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی دیده می‌شود. آنان مایل به حضور ایرانی قدرتمند در غرب آسیا هستند که قادر به مقاومت در برابر اهداف و سیاست‌های آمریکا و اروپا و متحدان آنها در منطقه باشد (Haines, 2015). از دید رهبران روسیه، ایران بازیگری سازگار و همراه در پاسخ به دغدغه‌ها و نگرانی‌های روسیه در "خارج نزدیک" بوده است. رهبران ایران و روسیه به خوبی می‌دانند

با وجود زمینه‌های گوناگون برای همکاری دو کشور، در عرصه‌هایی چون انرژی و انتقال آن، به‌ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز رقابت‌های جدی و غیرقابل‌انکاری را پیش رو دارند (Khajehpour, 2012, 17). با این حال در اسناد سیاست خارجی روسیه از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۳ توجه به جایگاه منطقه‌ای ایران، روندی متناسب با افزایش توجه روسیه به خاورمیانه را نشان داده است (Gonzales, 2013, 17).

ولادیمیر ساژین کارشناس سیاسی و خاورشناس روس می‌نویسد روسیه - ابرقدرت جهانی - و ایران - ابرقدرت منطقه‌ای - هر دو نقش مهمی در خاورمیانه بازی می‌کنند. تأثیر و نفوذ این دو کشور در تمام نقاط جهان به‌ویژه نقاط مهم در خاورمیانه مشهود است. اما از دیدگاه آنها نیز مناسبات تهران - مسکو در چندضلعی روسیه - آمریکا - اسرائیل - عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی قرار می‌گیرد (sputniknews.com). بر این اساس پس از شرایطی که بحران سوریه به‌وجود آورد و ایران و روسیه را در کنار دمشق قرار داد، رهبران دو کشور تصمیم گرفتند با افزایش مناسبات دوجانبه زمینه‌ها برای اشتراک منافع منطقه‌ای و بین‌المللی را افزایش دهند. از سال ۲۰۱۵ پس از سفر ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه به ایران، اراده سیاسی شکل گرفته در تهران و مسکو، موجب حرکت‌هایی در روابط اقتصادی دو کشور شد. حمله‌های هوایی روسیه از ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ در حمایت از رژیم بشاراسد، جنگ داخلی سوریه را وارد مرحله جدیدی کرد (Parker, 2016, 2). مارک کاتز تحلیل‌گر مسایل روسیه می‌نویسد: ایران و روسیه نه فقط در مسأله سوریه، بلکه در دیگر پرونده‌ها نیز نگاه‌های کم و بیش مشابه هم دارند. او اشاره می‌کند که این نزدیکی مواضع موجب عزم جدی دو کشور برای توسعه روابط دوجانبه شده است (Katz, 2017). رسیدن ایران و گروه ۵+۱ به توافق جامع هسته‌ای چشم‌انداز بهبود روابط ایران با غرب را تغییر داد (Parker, 2016, 2). تحولی که برای رهبران کرملین نمی‌تواند چندان خوشایند برآورد شود. هرچند روسیه در جریان شکل‌گیری این توافق نقش تأثیرگذار داشت، اما نمی‌توان فراموش کرد که سیاست ضدغربی ایران برای این کشور چه مزایا و دستاوردهایی در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی در ایران - پیش و پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در بر داشته است. البته این واقعیت

که پس از پیوسته‌سازی شبه‌جزیره کریمه به روسیه این کشور نیز از سوی امریکا و اروپا تحریم شد، بر تعمیق و توسعه‌ی روابط افزوده است. در شرایط پر تحول پسا‌روپاشی، ایران به عنوان ابزاری برای سیاست روسیه در برابر امریکا به کار گرفته شده است (Kozhanov, 2012, 5).

سرگی بلاگوف در تحلیلی برای آسیا تایمز، با اشاره به سفر روحانی به روسیه در مارس ۲۰۱۷ و مذاکرات رؤسای دو کشور برای افزایش مناسبات دوجانبه و منطقه‌ای می‌نویسد همکاری‌های روسیه و ایران در سوریه، بر رابطه روسیه و اسرائیل تأثیر منفی گذاشته است. وی می‌نویسد روز ۱۶ مارس ۲۰۱۷، جنگنده‌های اسرائیلی مناطقی در سوریه را که در ارتباط با حزب‌الله لبنان هستند، بمباران کردند. نیروهای ارتش سوریه نیز در برابر آن حمله‌هایی با موشک‌های خود انجام دادند. پس از این رخدادها کرملین سفیر اسرائیل در روسیه را احضار کرد تا در این زمینه پاسخگو باشد. بلاگوف با اشاره به سخنان وزیر خارجه ایران در مورد امکان استفاده روسیه از پایگاه‌های نظامی ایران، این مورد را نیز شاهد دیگری بر توسعه روابط تهران و مسکو به دلیل همکاری ایران و روسیه در سوریه بر می‌شمرد (Blagov, 2017). در همه دوره‌های تحولات روابط ایران و روسیه، روابط با اسرائیل جایگاه و اهمیت خود را حفظ کرد. برای روسیه حفظ تعادل در روابط با هر دو کشور همواره مورد توجه بوده است (Kozhanov, 2015, 7). روسیه به هر حال رخداد‌های موسوم به انقلاب‌های عربی، سبب نزدیکی روز افزون روابط دو کشور شد، اما در مورد روابط راهبردی با ایران پوتین رفتارهای گوناگونی نشان داده است. برخی از تحلیل‌گران او را در این زمینه خویشتن‌دار خوانده‌اند (Parker, 2016, 1). تعبیر جان ر. هاینس که در بررسی سیاست روسیه در برابر ایران، آن را "بدبینانه و تردیدآلود" خوانده، تصویر روشنی از واقعیت را نشان می‌دهد، که در جامعه ایران نیز جریان دارد.

۷. یافته‌های پژوهش

- روسیه یکی از مهمترین همکاران سیاست خارجی ایران است که هم در حوزه بین‌المللی (همکاری در سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل)، همکاری منطقه‌ای

(همراهی نظامی روسیه با ایران و سوریه در بحران سوریه) و هم در زمینه تأمین تسلیحاتی ایران، نقشی مهم و بی‌بدیل را ایفا می‌کند. در واقع ایران با وجود ماهیت سیاست خارجی مستقل خود، به دلیل تنوع مسایل و اختلاف‌های ماهوی با غرب و در راس آن با آمریکا و در شرایط بحران‌های غیرقابل پیش‌بینی در خاورمیانه، می‌کوشد تنها دوست خود در میان کشورهای قدرتمند جهان، یعنی روسیه را به رابطه سودمند دوجانبه بکشاند.

- مهمترین موضوعی که موجب غیرعادی بودن روابط مسکو و تهران است، منافع مشترک جدی دو کشور در مقابله با نفوذ آمریکا در تمام مناطق پیرامون از آسیای مرکزی و قفقاز تا خاورمیانه است. آنچه که موجب شده از نظر تاکتیکی، مواضع ایران و روسیه در سوریه آنچنان وابسته باشند که بر اختلاف راهبردی دو کشور در مورد آینده سوریه و خاورمیانه فایق آیند. - به دلایل واقع‌گرایانه نیز رقابت ذاتی در روابط ایران و روسیه وجود دارد. در موضوع همکاری در سوریه از سال ۲۰۱۵ می‌توان نمونه آن را مشاهده کرد. روسیه با وجود حمایت از بشار اسد نسبت به حکومت علوی‌های سوریه به سنی مذهب‌ها نگاه مثبت ندارد. در همان حال با وجود توافق با ایران در هدف مقابله با هژمونی آمریکا در منطقه، ملاحظات ایدئولوژیک در روابط خود ندارد و از هر فرصتی برای بهبود مناسبات با واشنگتن استقبال می‌کند.

- باوجود برخی منافع موازی و متفاوت ایران و روسیه در روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، رابطه با روسیه یکی از مهمترین منابع سیاست خارجی ایران در هر سه سطح است. هر چند به نظر نمی‌رسد به دلیل شرایط بسیار متحول و دخالت مؤلفه‌های بسیار گوناگون در سطح روابط منطقه‌ای و بین‌المللی امکان ترسیم راهبرد برای تحکیم همکاری‌ها وجود داشته باشد، اما در سطح دوجانبه، توافق ۲۰۲۰-۲۰۱۶ برای توسعه همکاری تجاری، اقتصادی، صنعتی، علمی و فنی میان ایران و روسیه را می‌توان راهبرد روابط تهران-مسکو دانست.

- از آنجا که همکاری کشورها همواره مبتنی بر اصل هزینه و فایده بوده و شراکتی مستحکم‌تر است که برای هر دو طرف فایده بیشتر و هزینه کمتر داشته باشد، روابط ایران و روسیه نیز از این قاعده مستثنی نیست. تهران می‌کوشد تمرکز بیشتری بر افزایش نقاط کانونی در روابط

اقتصادی ایران و روسیه، با هدف ایجاد یک شبکه مستحکم ارتباطی در بلند مدت داشته باشد. به عبارت دیگر ایران تلاش می‌کند از روابط همه‌جانبه با روسیه سود بیشتر ببرد و هزینه کمتر بپردازد. خود نیز در مقامی قرار گیرد که فایده بیشتر و هزینه کمتر برای شریک روس خود دارد.

- به باور بسیاری از کارشناسان روابط ایران و روسیه، دو دسته عوامل داخلی و خارجی موانع اصلی موجود بر سر راه گسترش همکاری‌های دو کشور هستند. نبود همپوشانی اقتصادی و اقتصادهای وابسته ایران، روسیه به صادرات انرژی و دولتی بودن اقتصادی دو کشور و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی؛ مانع گسترش روابط اقتصادی و نیز روابط سیاسی دو کشور می‌شود. علاوه بر آن، با وجود توافق هسته‌ای، روابط پر فراز و نشیب غرب، روسیه و ایران، از موانع گسترش همکاری‌های ایران و روسیه است. اثر غرب بر این رابطه هم مستقیم و هم غیرمستقیم است. از سویی با وجود همه‌ی دشمنی‌ها، روسیه به رهبری پوتین نیز نشان داده خواستار روابط مسالمت‌آمیز و پرسود با غرب، به‌ویژه آمریکا است. این در حالی است که حکومت ایران معتقد است دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران پایان‌ناپذیر است. بر این اساس با وجود تلاش ایران و روسیه برای بی‌اثر ساختن عامل آمریکا در رابطه دو جانبه، وقتی منافع تهران و مسکو در موضوعی متفاوت می‌شود و مسأله غرب نیز مطرح است، بدبینی و بی‌اعتمادی تاریخی بر روابط دو کشور سایه می‌افکند. با چنین زمینه‌ای، بستر لازم برای اثرگذاری غرب در جهت جلوگیری از نزدیک شدن روابط ایران و روسیه نیز فراهم می‌شود مانند مسأله هسته‌ای ایران.

- در همین حال ترسیم ویژگی‌های واقعی دو کشور در سطح منطقه و نظام بین‌الملل، انگیزه‌ها، اهداف، موانع، تهدیدها و برنامه‌ها نشان می‌دهد همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای ایران و روسیه وجود شرایط پیچیده‌ای را الزامی می‌سازد که همیشه فراهم نیست. یکی از آن شرایط غلبه بر تأثیر منفی عامل غرب و یا استفاده از این عامل به‌عنوان یک مؤلفه مثبت در روابط دوجانبه است؛ به عبارت دیگر روابط با آمریکا و اروپا، از مؤلفه‌های تأثیرگذار در روابط ایران و

روسیه است، اما موضوع غرب نیز در روابط دوجانبه و همچنین منطقه‌ای و بین‌المللی دو کشور مسأله‌ای ساده نیست.

منابع:

- کولایی، الهه و علیزاده، شیوا. (۱۳۹۵). جستارهایی پیرامون مسائل دریای خزر. تهران، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کولایی، الهه و گودرزی، مهناز. (۱۳۹۲). دریای خزر، چالش‌ها و چشم‌اندازها. تهران، میزان.
- کولایی، الهه. (۱۳۹۰). اتحاد جماهیر شوروی و انقلاب اسلامی ایران (اصلاحات). چاپ دوم. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کولایی، الهه. (۱۳۹۶). سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی. چاپ پنجم. تهران، سمت.
- کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۹). «روابط ایران و روسیه در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸: بسترها، عوامل و محدودیت‌ها، مطالعات اوراسیای مرکزی». سال سوم، شماره ۶، صص. ۱۳۶-۱۱۱ (a).
- کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۹). «ایران و روسیه: متحد شرقی یا تهدید جنوبی، روابط خارجی». سال دوم، شماره ۳، صص. ۱۷۱-۱۹۹ (b).

- کولایی، الهه و نوری، علی‌رضا. (۱۳۸۶). «تحول در سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی». دوره ۲، شماره ۳. صص. ۲۳-۵۶.
- کولایی، الهه. (۱۳۷۴). «روسیه، غرب و ایران، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز». دوره ۴، شماره ۱۲، صص. ۷۵-۹۴.
- ساژین، ولادیمیر. (۲۰۱۷). به مناسبت سفر حسن روحانی به مسکو، اسپوتنیک. قابل دسترس در سایت اسپوتنیک ایران.
- Bowker, Mike. (2007). **Russia, America and the Islamic World**. Hampshire, England: Ashgate.
- Dannreuther Roland. (1998). "Is Russia Returning to the Middle East?". **SAGE Publications**, Vol. 29(3), Pp: 345-358.
- Freedman, Robert O. (2000). "Russian-Iranian Relations in the 1990s". **Meria Journal**, Vol. 4(2), pp.3-7.
- Katz, Mark (2010), "Russian-Iranian Relations in the Obama Era". **Middle East Policy**, Vol. XVII (2), pp: 62-69.
- Mizin, Viktor. (2004). "The Russia-Iran Nuclear Connection and U.S. Policy Options". **Middle East Review of International Affairs**, Vol. 8(1), pp.71- 85.
- Orlov, Vladimir, A. and Alexander Vinnikov (2005), "The Great Guessing Game: Russia and Iranian Nuclear Issue". **The Washington Quarterly**, Vol. 28(2), pp. 49-66.
- Mamedova, Nina. (2016). "Trade and Economic Relations between Iran and Russia: Potential and Realization, Russia-Iran Partnership: An Overview and Prospects for the Future". (S.L.). **Institute for Iranian Studies and Eurasia (IRAs)**. Pp. 132-143.
- Blagov Sergei. (2017). Alliance with Syria tightens Russia's Ties with Iran, Asia Times, available at: www.atimes.com/article.

- Freedman, Robert O. (2006). Russia, Iran and The Nuclear Question: The Putin Record, The Strategic Studies Institute (SSI). available at: **<http://StrategicStudiesInstitute.army.mil>**. (Accessed on: 25 Nov. 2017).
- Gonzales, Francisco J. Ruiz. (2013). The Foreign Policy Concept of the Russian Federation: A Comparative Study, ieee.es. available at: **http://DIEEEM06_2013_Rusia_ConceptoPoliticaExterior_FRuizGlez_ENGLISH.pdf**.
- Haines, John R. (2015). Russia, Iran, and the (Increasingly) Lonely Superpower, Foreign Policy Research Institute, March 17, available at: **<https://www.fpri.org/article>**.
- Handa, Shivani. (2012). Russia in the Middle East Exploring Russia's Regional Relationships and Influence. available at: **www.basicint.org/sites/default/files**.
- Hibbs, Mark. (2013). An Iran Deal Buy-In for Russia?, Carnegie Endowment for International Peace. available at: **<http://Carnegieendowment.org>**. (accessed on: 17 May 2014).
- Kasting, Nori & Brandon Fite. (2012). U.S. and Iranian Strategic Competition, The Impact of China and Russia. available at: **www.csis.org/analysis/us-and-iranian-strategic**.
- Katz, Mark. (2015). Elusive as Ever: The State of Iranian- Russian Cooperation, Middle East Program, available at: **www.wilsoncenter.org/.../elusive-ever-the-state-iranian-russian**.
- Katz, Mark. (2017). Assessing the Putin-Rouhani Summit. March 29 available at: **<https://lobelog.com/assessing-the-putin-rouhani>**.
- Khajepour Bijan. (2012). The Role Of Economic & Energy Relations With Turkey And Russia In Iran's National Strategy, available at: **https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files**.
- Kozhanov, Nokolay. (2015). Understanding the Revitalization of Russian-Iranian Relations. available at: **<http://carnegieendowment.org/files>**.

-
- Kozhanov, Nikolay. (2012). Russia's Relations with Iran Dialogue without Commitments. Available at: www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/russian.
 - Ministry of Economic Development of the Russian Federation. (s.n.). Foreign economic information portal. available at: http://www.ved.gov.ru/monitoring/foreign_trade_statistics/countries_breakdown.
 - Parker, John W. (2016). Russia, Iran: Strategic Partners or Competitors? , Rice University's Baker Institute for Public Policy, available at: www.bakerinstitute.org/research/russia-iran.
 - Ryabkov, Sergey. (2012). Further Sanctions against Iran Piontless. available at: <http://dx.doi.org/10.1080/19934270.2012.669967>.
 - Trenin, Dmitri and Alexey Malashenko. (2010). Iran, A View from Moscow. available at: <http://carnegieendowment.org/files>.